

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

نماز چیست؟

شهید آیت‌الله

دکتر سید محمد حسینی بهشتی

بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی

تهران ۱۳۹۰

بهشتی، محمد، ۱۳۰۷-۱۳۶۰.
نماز چیست؟ / محمدحسینی بهشتی؛ تهیه و تنظیم بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید
آیت‌الله دکتر بهشتی. -- تهران: بقعه، ۱۳۸۴.
۶۰ ص.

ISBN: 978-964-6887-47-3

این کتاب بخشی از کتاب سرود یکتاپرستی ... می‌باشد که توسط انتشارات بقعه در سال
۱۳۷۸ به چاپ رسیده است.

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیفا

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. نماز. الف. بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی. ب. عنوان.

ج. سرود یکتاپرستی...

۴۰۱۳ س ۹۴ ب/۱۸۶۲/ BP353/297

کتابخانه ملی ایران م ۸۳-۴۲۱۹۳



نماز چیست؟

شهید آیت‌الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی
تهیه و تنظیم: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی

طرح جلد: حمیدرضا رحمانی

صفحه‌آرا: مرتضی انصاف‌منش

لیتوگرافی و چاپ: شادرنگ

چاپ اول ۱۳۸۴، چاپ پنجم ۱۳۹۰

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۸۸۷-۴۷-۳

حق چاپ محفوظ است.

تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۲۰۹۰۱۳ تهران، صندوق پستی: ۱۵۷۴۵-۱۳۴

www.beheshti.org

info@beheshti.org

Email: nashreboghe@gmail.com

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۹	نیایش و پرستش
۹	راز و نیاز
۱۰	عبادت
۱۱	نماز
۱۱	سرود توحید و یکتا پرستی
۱۱	سرود فضیلت و پاکی
۱۳	شست و شوی دل و جان
۱۴	نمازهای روزانه
۱۶	اذان
۱۸	اقامه
۱۹	چگونه برای نماز آماده می شویم؟
۱۹	وضو
۲۰	قبله
۲۱	چگونه نماز می خوانیم؟

۲۸	رکعت
۲۹	۱- نماز صبح
۳۳	۲- نماز ظهر
۳۵	۳- نماز عصر
۳۶	۴- نماز مغرب
۳۶	۵- نماز عشاء
۳۶	تأثیر عمیق نماز در انسان
۴۰	نماز جماعت
۴۱	نماز جمعه
۴۳	نخستین نماز جمعه بعد از هجرت
۴۴	نماز عید
۴۶	نماز آیات
۴۹	دعا و قنوت
۵۰	نماز به زبان قرآن
۵۱	برای اذان و اقامه
۵۲	برای نماز
۵۷	نمایه

مقدمه

کتابی که پیش روی شماست، نوشتاری از شهید آیت‌الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی است که نخستین بار در سال ۱۳۷۹ منتشر شد. این اثر که پس از آن بارها به وسیله ناشران گوناگون به چاپ رسیده به دلیل شیوایی قلم نگارنده آن و آراسته بودن آن به زبان فطرت، همواره با استقبال فراوان از سوی کسانی که به دنبال درک معنا، مفهوم، جایگاه و صورت و سیرت نماز به عنوان زیباترین شعار یکتاپرستان هستند روبه‌رو بوده است. از همین رو، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی با وجود این که این نوشتار را پیش از این در مجموعه مباحث مربوط به نماز با عنوان سرود یکتاپرستی منتشر کرده بود، تصمیم گرفت آن را به‌طور مستقل نیز منتشر نماید.

بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی

نیایش و پرستش

در آن لحظه که آدمی به کمال و شکوه بی‌نهایت آفریدگار جهان می‌اندیشد، سراپا شیفته آن می‌شود؛ دل و جانش به خضوع و خشوع و فروتنی می‌گراید؛ با آهنگ فطرت در برابر آن همه کمال و عظمت سر تعظیم فرود می‌آورد: «رکوع»؛

سر به زمین می‌ساید: «سجود»؛
و زبان به ستایش می‌گشاید: «حمد و تسبیح».

راز و نیاز

و در آن لحظه که انسان خود را به کمک نیرویی برتر از ماده نیازمند می‌یابد، دل به سوی آفریدگار دانا و توانا و مهربان جهان می‌آورد؛ راز و نیاز خود را با او در میان می‌نهد و او را به کمک می‌خواند: «دعا».

عبادت

آن نیایش و پرستش و این راز و نیاز و کمک‌خواهی، در زبان قرآن «عبادت» نامیده می‌شود.

قرآن عبادت را مخصوص خدای یکتا می‌شمرد و پرستش هر کس و هر چیز دیگر جز خدا را حرام و گناهی بس بزرگ می‌داند:

«وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ...»^۱

«فرمان خدا بر آن رفته که جز او را نپرستید...»

اسلام از نظر کلی، برای عبادت خدای یکتا هیچ زبان یا شکل خاصی معین نکرده و هیچ قید و شرطی نگذارده است. تنها شرط مهم عبادت در اسلام این است که آنچه بندگان خدا به‌عنوان عبادت به جا می‌آورند به اوهام و خرافات، شرک، خودنمایی و ریا آلوده نباشد.

بنابراین، مسلمانان با رعایت کامل این نکات، در هر وقت و هر جا، به هر زبان و هر لغت و به هر شکل و هر جور که بخواهند می‌توانند به نیایش خدا و راز و نیاز با او بپردازند.

۱. سوره اسراء، آیه ۲۴.

نماز

نماز، مراسم مخصوصی برای پرستش خدا و راز و نیاز با اوست که در آن جنبه‌های ارزنده و آموزنده خاصی در نظر گرفته شده، و به همین جهت شکل مخصوصی به خود گرفته است.

سرود توحید و یکتاپرستی

سرود فضیلت و پاکی

نماز، سرود توحید و یکتاپرستی و سرود فضیلت و پاکی است که باید فکر و روح ما را در برابر عوامل شرک‌زا و آلوده‌کننده‌ای که در زندگی روزمره با آنها سر و کار داریم پاک و یکتاپرست نگهدارد.

هر یک از ما در زندگی روزانه خود سرگرم کار و هدف خویش است و کمتر به چیزی دیگر جز آن می‌اندیشد.

سرگرمی به کار و تلاش روزانه در راه زندگی، برای بشر امری طبیعی و ضروری است؛ به جسم و جاننش نشاط می‌بخشد، راه‌های جدید زندگی را به روی او می‌گشاید و او را در راه علم و هنر و صنعت و ایجاد وسایل گوناگون بهتر زیستن به جلو می‌راند؛ ولی در عین حال او را چنان در خود و آرزوهایش فرو می‌برد که گه‌گاه برای رسیدن به این آرزوها در برابر این و آن

به چم و خمّش وا می دارد؛ از خود و شخصیت واقعی و انسانی خود بیگانه اش می سازد و جسم و جانش را آلوده می کند. از آلودگی جسمی مثال بزنیم:

کمتر کسی است که در اثنای کار روزانه، دستش، لباسش، دست و صورتش، سر و پایش، و گاهی همه پیکرش، کثیف نشود و به تنظیف روزانه آنها نیازمند نگردد. دانش آموز یا دانشجویی که درس می خواند، معلمی که درس می دهد، کشاورزی که به کند و کاو زمین، کاشتن تخم یا نشانیدن نهال، آبیاری، وجین یا درو و برداشت محصول مشغول است، کارگر یا مهندسی که در کارگاه کار می کند، پرستار یا پزشکی که با بیماران سر و کار دارد، بانوی خانه داری که خانه را اداره می کند، پیشه‌ور یا بازرگانی که به داد و ستد مشغول است و محقق‌ی که به کاوش علمی می پردازد، همه باید روزی یک یا چند بار لباس و تن خود را شست‌وشو دهند تا پاکیزه بمانند.

روح ما نیز در میدان زندگی روزانه به همین اندازه یا بیشتر در معرض آلودگی است: آلودگی به هوس‌های تحریک شده و لجام گسیخته، خودخواهی‌ها و چشم و هم‌چشمی‌های برانگیخته، غرور ناشی از پیروزی و کامیابی، یا عقده روانی ناشی از شکست و ناکامی، و به دنبال آن حسد و کینه و انتقام و صدها آلودگی دیگر.

این آلودگی‌ها روح را تیره می‌کند و ما را از راه راست زندگی، راه پاکی و فضیلت و تقوا منحرف می‌سازد و به راه فساد می‌کشاند؛ از یاد خدا غافل می‌کند و به دام شیطان و وسوسه‌های شیطانی می‌افکند.

شست‌وشوی دل و جان

بنابراین، باید همان‌طور که لباس و تن خود را می‌شوئیم و پاکیزه می‌کنیم، دل و جان خود را هم شست‌وشو دهیم و پاکیزه کنیم؛ خود را به خدا، سرچشمه پاکی و کمال، نزدیک سازیم؛ لحظاتی را به یاد او، به نیایش او و راز و نیاز با او بگذرانیم و روح آلوده را در چشمه صاف و زلال الهی شست‌وشو دهیم. این است نمازی که مسلمان روزی چند بار می‌خواند.

از پیغمبر اکرم (ص) نقل شده که در گفت‌وگویی کوتاه با یاران خود چنین فرمود:

- فرض کنید در برابر خانه یکی از شما نهری روان باشد و هر روز در آن پنج بار شست‌وشو کند. آیا به تن او هیچ آلودگی می‌ماند؟
- نه، این شست‌وشو به تن او هیچ آلودگی نمی‌گذارد.
- نماز پنجگانه هم همین اثر را دارد. با پنج نماز در روز، خدا لغزش‌ها را از آدمی می‌زداید و او را پاکیزه می‌کند.^۱

۱. اَرَأَيْتُمْ لَوْ أَنَّ نَهْرًا بَبَابِ أَحَدِكُمْ يَغْتَسِلُ فِيهِ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسًا، مَا يَقُولُ؟
ذَلِكَ بَيِّنٌ مِنْ دُونِهِ؟
قَالُوا: لَا بَيِّنٌ مِنْ دُونِهِ شَيْئًا!

نمازهای روزانه

۱- صبح: پس از سپیده صبح؛

۲- ظهر: نیمروز؛

۳- عصر: تقریباً ۲ تا ۳ ساعت بعد از ظهر؛^۱

۴- مغرب: پس از غروب آفتاب؛^۲

۵- عشاء: شامگاه که هوا تاریک می شود.^۳

اینها اوقات اصلی نمازند و چه بهتر که نماز در همین اوقات خوانده شود. ولی برای هر یک از نمازهای پنجگانه وقت وسیع تری به ترتیب زیر معین شده تا اگر نمازگزار به علت کار یا موانع دیگر نتوانست در ساعات نامبرده نماز بگذارد وقت وسیع تری در اختیار داشته باشد:

نماز صبح: از سپیده صبح تا طلوع آفتاب؛

قال: فذلک مثل الصلوات الخمس یمحو الله به الخطایا. (صحیح بخاری، کتاب نهم، باب ششم).

۱. نشانه‌ای که برای وقت فضیلت عصر در کتاب‌های فقهی تعیین شده این است که سایه هر چیز در جهت مشرق به اندازه‌ای برسد که با خود آن مساوی باشد.

۲. نشانه قطعی غروب آفتاب در افق این است که در نیمه شرقی آسمان، شفق، یعنی باقیمانده اشعه آفتاب که به صورت رنگ قرمز بر پهنه آسمان نمودار می شود، باقی نماند ۲۴.

۳. یعنی پس از ناپدید شدن کامل شفق از کرانه غربی آسمان.

نماز ظهر: از نیمروز تا غروب آفتاب؛

نماز عصر: پس از نماز ظهر تا غروب آفتاب؛

نماز مغرب: از مغرب تا نیمه شب؛^۱

نماز عشاء: پس از نماز مغرب تا نیمه شب.^۲

مسلمان، بامداد که سر از خواب برمی‌دارد، نماز می‌گزارد تا برنامه روزانه را با پاکی و حسن نیت و توجه به خدا شروع کند. ظهر که برای صرف ناهار موقتاً دست از کار می‌کشد باز نماز می‌گزارد، تا همچنان که به جسم خود از راه غذا، نیرو و نشاط تازه می‌بخشد، به روح نیز از راه نماز نیرو و نشاط معنوی تازه دهد. و عصر، پیش از آنکه بخش دوم کار روزانه خود را آغاز کند، باز نماز می‌خواند تا با یاد خدا به کار خود پردازد.

پس از غروب آفتاب که غالباً با پایان کار روزانه و صرف شام همراه است، باز نماز می‌گزارد و غذا دادن به جسم را با غذا دادن به روح همراه می‌کند.

شامگاه که برای خوابیدن آماده می‌شود باز در برابر خدای خود می‌ایستد و نماز می‌گزارد؛ برنامه روزانه را که با نماز و یاد

۱. یعنی پس از ناپدید شدن کامل شفق از کرانه غربی آسمان.

۲. اگر نیمه شب فرا رسیده و نماز مغرب یا عشا را نخوانده است، باید پیش از فرارسیدن صبح آن را بخواند، بی آن که نیت اداء یا قضا کند.

خدا شروع کرده بود با نماز و یاد خدا نیز پایان می‌دهد و با دلی پاک و جانی آرام گرفته به خواب می‌رود:

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَ زُفَاً مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ، ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ»^۱

«در دو طرف روز و پاره‌ای از شب به نیایش برخیز که نیکی‌ها بدی‌ها را می‌زداید. آن، برای هشیار دلان، خود یک یادآوری است.»

اذان

فرا رسیدن وقت هر نماز با «اذان» اعلام می‌شود. هنگام سپیده صبح، ظهر، عصر، غروب آفتاب و در نخستین لحظات تاریک شدن هوا در هر منطقه اسلامی با آهنگ روح‌نواز اذان به همه اعلام می‌شود که وقت نماز فرا رسیده است:

«الله اکبر، الله اکبر. الله اکبر، الله اکبر.»

خدا از همه بزرگ‌تر است.

«اشهد ان لا اله الا الله. اشهد ان لا اله الا الله.»

آشکارا می‌یابم و بر این یافته خود گواهی می‌دهم

که جز آفریدگار جهان خدایی نیست.

۱. سوره هود، آیه ۱۱۴.

«اشهد ان محمداً رسول الله. اشهد ان محمداً رسول
الله.»^۱

آشکارا می یابم و بر این یافته خود گواهی می دهم
که محمد (ص) پیغمبر خداست.

«حیّ علی الصلاة. حیّ الصلاة.»

زود برای نماز بیایید.

«حیّ علی الفلاح. حیّ علی الفلاح.»

به سوی رستگاری بشتابید.

«حیّ علی خیر العمل. حیّ علی خیر العمل.»

به سوی بهترین کارها بشتابید.

«الله اکبر. الله اکبر.»

خدا از همه بزرگتر است.

«لا اله الا الله.»

جز آفریدگار جهان خدایی نیست.

۱. اذان و اقامه در همه کتاب های فقه شیعه و عموم روایاتی که از ائمه
طاهرین - سلام الله علیهم اجمعین - در کتاب های حدیث شیعه نقل شده
به همین صورت آمده است. رساله عملیه توضیح المسائل نیز در مسأله
۹۱۸، اذان و اقامه را به همین صورت بیان کرده و بعد در مسأله شماره
۹۱۹ درباره شهادت به ولایت چنین گفته است:

«اشهد ان علیاً ولی الله» جزء اذان و اقامه نیست، ولی خوب است بعد از
«اشهد ان محمداً رسول الله» به قصد قربت گفته شود.

اقامه

با آهنگ اذان، نمازگزار خود را برای نماز آماده می‌کند و به محل نماز می‌آید.

آنها که می‌خواهند در نماز جماعت (نماز دسته جمعی) شرکت کنند، به مسجد یا محل دیگری که برای نماز دسته جمعی آماده است می‌روند.

در این وقت بار دیگر برپاداشتن نماز (اقامه) به ترتیب زیر اعلام می‌شود:

«الله اکبر، الله اکبر.»

خدا از همه بزرگ‌تر است.

«اشهد ان لا اله الا الله. اشهد ان لا اله الا الله.»

آشکارا می‌یابم و بر این یافته خود گواهی می‌دهم که جز آفریدگار جهان خدایی نیست.

«اشهد ان محمداً رسول الله. اشهد ان محمداً رسول الله.»

آشکارا می‌یابم و بر این یافته خود گواهی می‌دهم که محمد (ص) پیغمبر خداست.

«حیّ علی الصلاة. حیّ علی الصلاة.»

زود برای نماز بیایید.

«حیّ علی الفلاح. حیّ علی الفلاح.»

به سوی رستگاری بشتابید.

«حی علی خیر العمل. حی علی خیر العمل.»

بہ سوی بہترین کارها ہشتا بید.

«قد قامت الصلاة. قد قامت الصلاة.»

نماز بہ پا شد.

«الله اکبر. الله اکبر.»

خدا از ہمہ بزرگ تر است.

«لا اله الا الله.»

جز آفریدگار جہان خدایی نیست.

چگونه برای نماز آمادہ می شویم؟

شست و شویی کن و آنگہ بہ نیایش بر خیز!

وضو

نخست صورت و بعد دست‌ها را از آرنج تا انگشتان

می شویم و بعد جلوی سر و روی پاها را دست می کشیم.

«یا ایہا الذین آمنوا اذا قُمتُم الی الصَّلوةِ فَاغْسِلُوا

وجوهکم و ایدیکم الی المَرافِق و امسَحوا برؤسکم و

ارجلکم الی الکَعْبَین.»^۱

۱. سورہ مائدہ، آیہ ۶.

«ای مسلمانان، وقتی به نماز برخاستید صورت و دست‌ها را تا آرنج بشویید، قسمتی از سر و همه پا را تا بر آمدگی روی آن دست بکشید...»
این شست‌وشو باید با نیتی پاک و برای خدا باشد.
اگر جای دیگری از بدن آلوده باشد می‌شویم و لباس پاک می‌پوشیم.^۱

قبله

آنگاه رو به خانه «کعبه» می‌ایستیم؛ خانه‌ای که یادبود «ابراهیم»، قهرمان توحید، و «اسماعیل» فرزند اوست و این پدر و پسر پاکیزه سرشت آن را برای پرستش خدای یکتا در سرزمین «مکه» ساختند.
اسلام این خانه را کانون یکتاپرستی معرفی کرد و به مسلمانان دستور داد تا در هر نقطه جهان هستند به‌سوی آن نماز بگذارند تا نقطه مرکزی یکتاپرستی گردد:

۱. برخی از نجاسات که بدن و لباس نمازگزار نباید بدان آلوده باشد عبارتند از: سگ، خوک، مدفوع و ادرار انسان و آن دسته از حیوان‌های حرام گوشت که سرعت جریان خونشان به اندازه‌ای است که اگر یک رگ آنها پاره شود خون بیرون می‌جهد، منی و خون انسان و همه حیوانات، خواه حرام گوشت و خواه حلال گوشت، که سرعت جریان خونشان به اندازه بالا باشد، مردار انسان پیش از آنکه غسل داده شود و مردار حیواناتی که سرعت جریان خون آنها به اندازه بالا باشد.

«و من حیث خرجت فولّ وجهک شطر المسجد الحرام و حیث ما کتتم فولّوا وجوهکم شطره...»^۱

«واز هر جا بیرون رفتی، رو به سوی مسجدالحرام بگردان و در هر جا بودید به سوی آن رو بگردانید...»

در جایی به نماز می ایستیم و با لباسی نماز می گزاریم که استفاده از آن برای نماز از نظر رعایت حقوق دیگران یا جهات دیگر ممنوع نباشد.

چگونه نماز می خوانیم؟

با روحی آماده، فارغ از هر فکر دیگر، دل به سوی خدا می آوریم و می گوئیم: «الله اکبر.»

خدا از هر کس و هر چیز بزرگ تر و از آنچه در تصور ما بگنجد برتر است.

با آهنگ الله اکبر - خدای از همه بزرگ تر - همه عظمت های دیگر در چشم نمازگزار فرو می ریزند؛ تنهابه عظمت خدا می اندیشد و با دل و جانی خاضع در برابر او آماده نیایش آفریدگار می شود.

از این لحظه تا پایان نماز همواره رو به سوی کعبه به نیایش و پرستش خدا و راز و نیاز با او

۱. سوره بقره، آیه ۱۵۰.

می‌پردازیم، بی آنکه با کسی سخن گوئیم یا به کسی پاسخ دهیم.

در ستایش او نخست، سوره «حمد» را با توجه به معانی پرارجی که در آن آمده می‌خوانیم:

«بسم الله الرحمن الرحيم»

به نام خدای مهربان مهرورز.

«الحمد لله رب العالمين»

ستایش مخصوص خدا، خداوند جهانیان است.

مسلمان هر کار و هر سخن را فقط به نام خدا شروع می‌کند و در جامعه مسلمانان هر چیزی تنها «به نام خدا» افتتاح می‌شود.

از نظر اسلام، ستایش مخصوص خداست که کمال بی‌نهایت است. غیر از خدا هیچ کس و هیچ چیز شایسته ستایش نیست. از هرکس و هر چیز در حدود ارزش واقعی‌اش می‌توان قدردانی و در حدود محبت و خدمتش می‌توان تشکر کرد، ولی قدردانی و تشکر هرگز نباید رنگ چاپلوسی، مداحی و ستایشگری به خود گیرد.

مداحی و ستایشگری یک آفت بزرگ اخلاقی و یک آفت بزرگ اجتماعی است.

مداح و چاپلوس از یک طرف شخصیت خود را می‌کشد و خود را به دست خود پست و زبون می‌کند و از

طرف دیگر با مداحی و چاپلوسی، شخصیت‌های دروغین اجتماعی می‌سازد که روز به روز مغرورتر و خودپسندتر می‌شوند؛ دیگر نه خودشان به فکر آن می‌افتند که نواقص واقعی خود را بشناسند و نه به کسی این اجازه و فرصت را می‌دهند که از آنها انتقاد کند. مداحان فرومایه کم‌کم آنها را در جامعه به صورت بت‌هایی مغرور، خودکامه و خطرناک در می‌آورند که خودآگاه یا ناخودآگاه انتظار دارند مردم به آنها به حد پرستش احترام بگذارند و از آراء و افکارشان بی‌چون و چرا پیروی کنند.

اسلام با اعلام مکرر این حقیقت که: «ستایش مخصوص خداست» می‌خواهد هرگز در جامعه یکتاپرستی اسلامی چنین بت‌های خودکامه و مغروری به‌وجود نیایند و راه انتقاد منطقی و بی‌غرض از هر کس در هر مقام به روی همه باز باشد.

«الرحمن الرحیم»

خدای مهربان مهرورز.

«مالک یوم الدین»

دارنده روز پاداش.

مسلمان از یک طرف به بخشایش الهی ایمان دارد و از طرف دیگر به پاداش اعمال. به رحمت خدا امیدوار است، ولی نگران کیفر او نیز هست و هرگز مغرور نمی‌شود، زیرا هر نیک و بدی از او سرزند سزای آن را در روز پاداش خواهد دید.

«ایاک نَعبد و ایاک نَسْتَعین»

تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو کمک می‌خواهیم.
مسلمان همواره بر خدا و نیروها و امکانات فراوانی که او
در دسترسش گذارده تکیه می‌کند و دست نیاز پیش احدی
نمی‌برد.

او در کار خود البته از دیگران کمک می‌گیرد، ولی این
کمک‌گیری یا به‌صورت قرارداد است، یا جنبه رفاقت و
دوستی دارد، یا طبق قوانین و سنن است - که آنها هم
خود نوعی قرارداد اجتماعی هستند. به هر صورت، او در
برابر کمکی که می‌خواهد، نقد یا نسیه کمکی هم می‌دهد،
بی آنکه کمک دیگران به او یا کمک او به دیگران رنگ
آقامنشی داشته و با منت همراه باشد.

مسلمان کمک آقامنشانه قبول نمی‌کند و چشم طمع به
دست این و آن نمی‌دوزد؛ به‌عکس، با اتکای بر خدا و
نیروهای خداداد کار می‌کند و با استفاده از نیروی کار و
ابتکار خود به تأمین شرافتمندانه نیازمندی‌های زندگی و
خواسته‌ها و آرزوهای خویش می‌پردازد.

«اهدنا الصراط المستقیم»

راه راست را به ما بنما.

«صراط الذین انعمت علیهم»

راه آنها که از نعمت خود برخوردارشان ساختی.

«غیرالمغضوب علیهم»

نه آنها که بر ایشان خشم رفته.

«ولا الضالین»

و نه گمراهان.

این اساسی‌ترین دعای هر مسلمان در نماز روزانه‌اش با خداست. از او می‌خواهد که همواره راه راست زندگی را به او بنمایاند و پیش پایش نهد؛ راهی که او را به استفاده از نعمت‌های خداداد توانا کند، از محرومیت‌های نابجا که ناشی از تنبلی یا بیراهه رفتن انسان و نشانه‌ای از خشم خداست نجات بخشد و مانع تلف شدن نابجای نیروهای ارزنده او در بیراهه‌ها گردد.

پس از سوره حمد، نمازگزار یک سوره دیگر از قرآن می‌خواند. برای نمونه، سوره «توحید» رابا ترجمه و توضیح آن می‌نویسیم.

«بسم الله الرحمن الرحیم»

به نام خدای مهربان مهرورز.

«قل هو الله احد»

بگو اوست خدای یکتا.

«الله الصمد»

خدا کامل و بی نقص و بی نیاز است.

«لم یلد و لم یولد»

نه زاییده و نه زاییده شده.

«ولم یکن له کفواً احد.»

و نه هیچ کس همتای او بوده است.

این است عقیده یک مسلمان درباره خدا، در مقابل عقیده‌های خرافی دیگر، مثلاً عقیده بیشتر مسیحیان که به خدای پدر - پسر معتقدند و در کنار آن دو، روح القدس را هم خدای سوم می‌دانند و این سه خدای با هم یکی شده را می‌پرستند (تثلیث)؛ یا در برابر مجسمه حضرت مریم (ع) یا شخصیت‌های برجسته دیگر آن مذهب می‌ایستند و راز و نیاز و نیایش می‌کنند و...

نمازگزار پس از ستایش و نیایش و راز و نیاز با خدا در برابر عظمت او سر تعظیم فرو می‌آورد؛ تا زانو خم می‌شود (رکوع)، و زبان به ستایش الهی می‌گشاید؛ مثلاً می‌گوید:

«سبحان ربی العظیم و بحمده»

خدای بزرگ خود را می‌ستایم و پیراسته می‌شمرم. یا:

«سبحان الله، سبحان الله، سبحان الله»

پیراسته باد خدا؛ پیراسته باد خدا؛ پیراسته باد خدا.

نمازگزار با این جمله که در رکوع نماز می‌گوید بار دیگر شعار توحید و یکتاپرستی را تکرار می‌کند و می‌گوید:

بارالها! تنها عظمتی که مرا در برابر خود به خم شدن و رکوع وامی‌دارد تویی. در برابر هیچ چیز جز تو برای تعظیم و بزرگداشت قد خم نمی‌کنم. در برابر همه قدرت‌های طبیعی و انسانی سر راست می‌گیرم و هرگز اجازه نمی‌دهم قامت راستی که به من داده‌ای و فکر و اراده آزادی که به من ارزانی داشته‌ای در برابر این قدرت‌ها خم شوند.

این است مسلمان تربیت شده اسلام که در برابر همه صاحبان قدرت و ثروت و جاه و مقام سر راست می‌گیرد و هرگز در برابر این و آن تعظیم نمی‌کند.

بعد، سر از رکوع بر می‌دارد و راست می‌ایستد. آنگاه بار دیگر در برابر کمال و عظمت الهی با فروتنی و خضوع بیشتر به روی خاک می‌افتد.

سر انگشت بزرگ دوپا، زانوها و کف دست‌ها را روی زمین، و پیشانی را بر روی خاک^۱ می‌نهد: «سجده». بار دیگر زبان به ستایش الهی می‌گشاید و می‌گوید:

۱. در سجده نماز باید پیشانی را روی خاک یا سنگ یا چیزی از این قبیل نهاد، یابر چیزهایی که از خاک می‌روید، ولی برای خوراک یا پوشاک مصرف نمی‌شود. مهر نماز که غالباً در میان ما معمول است در حقیقت قطعه خاک پاکیزه‌ای است که همراه خود داریم تا برای سجده پیشانی روی آن بگذاریم.

«سبحان ربی الاعلی و بحمدہ»

خداوند خود را که از همه بالاتر و برتر است

می ستایم و پیراسته می شمرم.

یا می گوید:

«سبحان الله، سبحان الله، سبحان الله.»

نمازگزار با این جمله‌ها در حالت سجود، که نمودار کامل‌تری از خضوع و خشوع و فروتنی است، بار دیگر آهنگ توحید و یکتاپرستی را در گوش جان زمزمه می‌کند و می‌گوید: دیگران در برابر غیر خدا، در برابر صاحبان ثروت و قدرت به خاک می‌افتند، اما من که یک مسلمانم تنها در برابر خدا، خدایی که برتر از همه است، به خاک می‌افتم و هرگز در برابر هیچ کس و هیچ چیز جز او به خاک نخواهم افتاد.

سپس سر از خاک بر می‌دارد و می‌نشیند.

بار دیگر سجده می‌کند: پیشانی بر خاک می‌نهد و ستایش

خود را تکرار می‌کند. بعد سر از خاک بر می‌دارد و می‌نشیند.

رکعت

از خواندن سوره حمد تا اینجا یک «رکعت» نماز نامیده می‌شود؛ زیرا در آن یک «رکوع» هست. نمازهای روزانه دو، سه، یا چهار رکعتی‌اند.

نماز صبح دو رکعت، نماز مغرب سه رکعت، نمازهای ظهر و عصر و عشاء معمولاً چهار رکعت و در اثنای مسافرت دو رکعت‌اند.

برای اینکه یاد گرفتن نماز برای آنها که آشنایی شان کم است آسان شود، هر یک از نمازهای روزانه را به همان اندازه که واجب است، صرف نظر از مستحبات، در اینجا می‌آوریم:

۱- نماز صبح

پس از وضو و آمادگی‌های قبلی دیگر، با دلی پاک، دور از هر گونه خودنمایی و تظاهر رو به قبله به نماز می‌ایستیم و می‌گوییم:

«الله اکبر.»

و سوره حمد را می‌خوانیم:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. الرحمن الرحيم. مالك يوم الدين.
اياك نعبد و اياك نستعين. اهدنا الصراط المستقيم. صراط
الذين انعمت عليهم غير المغضوب عليهم ولا الضالين.

و یک سوره دیگر از قرآن، مثلاً سوره توحید:

بسم الله الرحمن الرحيم

قل هو الله احد. الله الصمد. لم يلد و لم يولد و لم
یکن له کفواً احد.

پس از آن در برابر عظمت الهی تا زانو خم می شویم:
 «رکوع» می کنیم؛ عظمت او را می ستاییم و مثلاً می گوئیم:
 «سبحان ربی العظیم و بحمده.»

یا:

«سبحان الله، سبحان الله، سبحان الله.»

سپس راست می ایستیم و بعد در برابر خدای بالاتر از همه، به خاک می افتیم. دو سر انگشت بزرگ (شست) پا، دو سر زانو و دو کف دست روی زمین، و پیشانی را بر خاک یا سنگ یا چوب یا حصیر یا مانند آن می نهیم: «سجده» می کنیم؛ خدای برتر از همه را می ستاییم و مثلاً می گوئیم:
 «سبحان ربی الاعلی و بحمده.»

یا:

«سبحان الله، سبحان الله، سبحان الله.»

سپس سر از زمین بر می داریم و می نشینیم. بار دیگر سجده می کنیم. به ترتیبی که گفتیم، پیشانی بر زمین می گذاریم و می گوئیم:
 «سبحان ربی الاعلی و بحمده.»

یا:

«سبحان الله، سبحان الله، سبحان الله.»

پس از آن سر از زمین بر می داریم و می نشینیم. تا اینجا یک رکعت از دو رکعت نماز صبح را انجام داده ایم. اینک

برای رکعت دوم از جا برمی خیزیم و می ایستیم. سوره حمد و یک سوره دیگر، مثلاً سوره توحید را می خوانیم؛ سپس رکوع و دو سجده را به شرحی که گفتیم به جا می آوریم. سر از سجده دوم بر می داریم؛ می نشینیم و می گوییم:

«اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له.»

بر این حقیقت گواهم که جز آفریدگار خدایی و برای او شریکی نیست.

«و اشهد ان محمداً عبده و رسوله.»

و بر این حقیقت گواهم که محمد(ص) بنده و پیغمبر خداست.

«اللهم صل علی محمد و آل محمد.»

بارالها! بر محمد و دودمان محمد درود فرست.

السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته.»

درود بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو ای

پیامبر.

«السلام علینا و علی عباد الله الصالحین.»

درود بر ما و بر بندگان شایسته کار خدا.

«السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.»

درود بر شما و رحمت و برکات خدا بر شما.^۱

نماز صبح به این صورت تمام می‌شود.

در این قسمت آخر نماز، بار دیگر نمازگزار به یگانگی خدا اعتراف می‌کند و همراه آن با صراحت می‌گوید: محمد بنده خدا و پیغمبر خداست. و بر او و دودمانش و بندگان نیکوکار خدا درود می‌فرستد.

مسلمانان هر روز حداقل نه بار این جمله را - که محمد بنده خدا است - تکرار می‌کنند تا هرگز چون مسیحیان دچار انحراف نشوند و محمد را از حد بندگی به حد خدایی، یا نیمه خدایی، یا فرزند خدا بودن، بالا نبرند. آنان بر پیغمبر، پیشوای بزرگ اسلام، بر دودمان پاک او، و بر بندگان نیکوکار خدا سلام می‌گویند و درود می‌فرستند و اعلام می‌دارند که مسلمان در هر نقطه دنیا که باشد عضوی از امت اسلام و با همه مسلمانان و بندگان نیکوکار خدا همبستگی دارد. این همبستگی آنقدر ریشه‌دار و گسترده است که هر مسلمان، حتی در موقعی که تنها به نماز ایستاده، خود را در جمع مسلمانان دیگر می‌یابد؛ گویی همه آنها همیشه با هم‌اند. بدین جهت در پایان نماز

۱. این قسمت از نماز «تشهد» و «سلام» نامیده می‌شود. در «سلام» نماز می‌توان به سلام سوم، یعنی: السلام علیکم ورحمة الله و برکاته، اکتفا کرد.

به همه آنها سلام می گوید آن هم به صورت خطاب، یعنی گفت و گوی حضوری و با این عبارت که:
«السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.»
درود خدا و رحمت و برکات او بر «شما» باد.

۲- نماز ظهر

پس از وضو و آمادگی های قبلی دیگر، با دلی دور از هر گونه تظاهر و ریا، رو به قبله به نماز می ایستیم و می گوئیم:
«الله اکبر»

سوره حمد و بعد از آن یک سوره دیگر از قرآن، مثلاً
سوره توحید را می خوانیم.
به رکوع می روئیم.
سر از رکوع بر می داریم و می ایستیم.
به سجده می روئیم.
سر از سجده بر می داریم.
دوباره به سجده می روئیم.
سر از سجده بر می داریم و می نشینیم.
برای رکعت دوم از جا بر می خیزیم و می ایستیم.
دوباره سوره حمد و یک سوره دیگر از قرآن، مثلاً
همان سوره توحید را می خوانیم.

به رکوع می‌رویم.
 سر از رکوع بر می‌داریم و می‌ایستیم.
 به سجده می‌رویم.
 سر از سجده بر می‌داریم و می‌نشینیم.
 دوباره به سجده می‌رویم.
 سر از سجده دوم رکعت دوم بر می‌داریم و می‌گوییم:
 «اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له.»
 «و اشهد ان محمداً عبده و رسوله.»
 «اللهم صل علی محمد و آل محمد.»
 برای رکعت سوم از جا بر می‌خیزیم.
 سوره حمد را می‌خوانیم، یا به جای سوره حمد
 می‌گوییم:

«سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر.»
 پیراسته باد خدا، ستایش مخصوص خداست. جز خدا
 آفریدگاری نیست و خدا از همه بزرگ‌تر است.

به رکوع می‌رویم.
 سر از رکوع بر می‌داریم و راست می‌ایستیم.
 به سجده می‌رویم.
 سر از سجده بر می‌داریم و می‌نشینیم.
 دوباره به سجده می‌رویم.
 سر از سجده دوم رکعت سوم بر می‌داریم و می‌نشینیم.

برای رکعت چہارم از جا بر می خیزیم.
باز سوره حمد را می خوانیم، یا به جای آن می گوییم:
«سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر.»
به رکوع می رویم.
سر از رکوع بر می داریم و می ایستیم.
به سجده می رویم.
سر از سجده بر می داریم و می نشینیم.
دوباره به سجده می رویم.
سر از سجده دوم رکعت چہارم بر می داریم. می نشینیم
و می گوییم:

«اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له»
«و اشهد ان محمداً عبده و رسوله»
«اللهم صل علی محمد و آل محمد.»
«السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته.»
«السلام علینا و علی عباد الله الصالحین.»
«السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.»

۳- نماز عصر

مثل نماز ظهر

۴- نماز مغرب

نماز مغرب سه رکعت است.

بنابراین، پس از آنکه از سجده دوم رکعت سوم سر برداشتیم دیگر برای رکعت چهارم از جا بر نمی‌خیزیم؛ بلکه می‌نشینیم و می‌گوییم:

«اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له»

«و اشهد ان محمداً عبده و رسوله»

«اللهم صل علی محمد و آل محمد.»

«السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته.»

«السلام علینا و علی عبادالله الصالحین.»

«السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.»

۵- نماز عشاء

مثل نماز ظهر^۱

تأثیر عمیق نماز در انسان

این است نماز اسلام که باید آن را سرود توحید و یکتاپرستی، سرود حفظ شخصیت انسان، سرود پاکی و

۱. در رکعت اول و دوم نمازهای صبح و مغرب و عشاء سوره حمد و سوره توحید را با صدای بلند می‌خوانیم و در نمازهای ظهر و عصر با صدای آهسته.

فضیلت، سرود صلح و صفا با همه بندگان نیکوکار خدا نامید. سرودی که همه مسلمانان باید روزی پنج بار بخوانند تا یاد خدا و ملکات عالی انسانی همواره در آنان زنده بماند و از راه راست خدا، از آلودگی به شرک، از خودباختگی در برابر زیبایی‌ها، یا مرعوب شدن در برابر قدرت‌های خودکامه، از ناسازگاری با بندگان نیکوکار خدا و از مفسد دیگر روحی مصون بمانند. درست مثل سرودی که سربازان صبح و شام می‌خوانند تا روح سلحشوری در آنان زنده بماند؛ یا پیشاهنگان می‌خوانند تا روح نیکوکاری در آنان تقویت شود.

قرآن کریم در باره تأثیر عمیق نماز در انسان می‌گوید:
 «أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ، وَأَقِمِ الصَّلَاةَ، إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ، وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ.»^۱

«آنچه از کتاب بر تو وحی شده برخوان و نماز را بپا کن که نماز جلوی کارهای زشت و پلید را می‌گیرد و از همه مهم‌تر یاد خداست. و خدا می‌داند شما چه می‌کنید.»
 نماز به آدمی نشاط معنوی خاصی می‌دهد و از پژمردگی و افسردگی روح جلوگیری می‌کند.

۱. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

نماز یک نوع تمرین وظیفه‌شناسی است. کسی که به نمازهای روزانه پای‌بند باشد لااقل در برابر بی‌بند و باری و سهل‌انگاری نسبت به وظایف دیگر مصون می‌ماند و نماز به پیشرفت او در زندگی کمک می‌کند:

«وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَأَنْهَا لِكَبِيرَةٍ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ.
الَّذِينَ يُظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ.»^۱

«در راه زندگی از شکیبایی و نماز کمک بگیرید هر چند نماز خود، کار سنگینی است؛ مگر بر فروتن‌ها، که عقیده دارند سرانجام پیش خدای خویش می‌روند و به سوی او باز می‌گردند.»

نماز برای عده‌ای از مردم تکلیفی سنگین است، ولی برای آنها که به هستی جاوید انسان معتقدند و ایمان دارند که باید همواره خود را پاک نگاه داشت و در راه تکامل کوشید تا به کمال جاوید الهی پیوست، راز و نیازی لذت بخش و نشاط آور با خدای بزرگ و مهربان است.

اسلام از همان روزهای اول، مسلمانان را به نماز دعوت کرد. در روزهای نخستین که جز پیغمبر و همسرش خدیجه و پسر عمویش علی هنوز کسی به اسلام

۱. سوره بقره، آیات ۴۵ و ۴۶.

نگروریده بود، پیغمبر و علی روزها را با هم به دره‌های اطراف مکه می‌رفتند و آنجا نماز می‌گزاردند.^۱

مخالفین اسلام نمازگزاران را مسخره و گاهی اذیت می‌کردند. مسلمان‌ها برای آنکه با آرامش خاطر نماز بگذارند به دره‌های اطراف مکه می‌رفتند و با هم نماز می‌خواندند، ولی مخالفین همانجا هم مزاحم آنها می‌شدند و گاه‌گاه کار به زد و خورد می‌کشید.^۲ اما فشار و آزار مخالفین، یا تمسخر آنها، نه تنها مسلمانان را از انجام فریضه نماز باز نمی‌داشت، بلکه بر پافشاری آنان در انجام این نیایش لذت‌بخش می‌افزود.

پیغمبر(ص) به آنها گفته بود نماز شعار یکتاپرستی است و مسلمانان به هیچ وجه نباید از آن غفلت کنند.

«بنی ثقیف» یکی از قبایل بزرگ بودند و در شهر «طایف» و اطراف آن زندگی می‌کردند. آنان در سال هشتم هجرت (تقریباً سه سال پیش از رحلت پیغمبر) هیأتی را به نمایندگی به مدینه فرستادند تا با پیغمبر درباره اسلام آنان مذاکره و شرایط خاصی در این زمینه پیشنهاد کنند. این هیأت ضمن مذاکره خود به پیغمبر پیشنهاد کردند که

۱. سیره ابن هشام، جلد اول، صفحه ۲۶۳.

۲. همان، ص ۲۸۲.

بنی ثقیف مسلمان بشوند، ولی از خواندن نماز معاف باشند. پیغمبر (ص) ضمن پاسخ به آنها فرمود:

«...و اما الصلاة؛ لا خیر فی دین لا صلاة فیه»^۱

«... اما در مورد نماز؛ مسلمان شدنی که با نماز

خواندن همراه نباشد ارزشی ندارد.»

اگر مسلمان در شرایطی قرار گرفته که نمی‌تواند به صورت معمولی نماز بخواند، به هر صورتی که بتواند باید نماز بگذارد: نشسته، خوابیده، سوار اسب، در ماشین یا قطار یا هواپیما، پشت تانک و زره‌پوش و...

نماز جماعت

اسلام تأکید کرده مسلمانان به صورت دسته جمعی زندگی کنند و حتی دسته جمعی نماز بگذارند - اگر مسجدی هست در مسجد، و گرنه هر جا مناسب باشد: در صحرا، در سالن مدرسه، در کارگاه و کارخانه یا در خانه‌ها. وقتی در یک محل نماز جماعت خوانده می‌شود همه بکوشند تا از خانه یا محل کار خود به آنجا بروند و در نماز جماعت شرکت کنند.

برای برگزار کردن نماز جماعت، نمازگزاران روبه قبله در صف‌های منظم به نماز می‌ایستند. یک نفر جلو

۱. سیره ابن هشام، جلد چهارم، صفحه ۱۸۵.

می‌ایستد و نماز دسته جمعی را رهبری می‌کند: «امام جماعت».

نماز جماعت در درجه اول به رهبری عالی‌ترین نماینده حکومت اسلامی در منطقه خوانده می‌شود؛ و گرنه، خود مردم از میان خود یک فرد شایسته را برای این کار انتخاب می‌کنند. در نماز جماعت، حمد و سوره رکعت اول و دوم را فقط امام می‌خواند و نمازگزاران دیگر گوش می‌کنند، ولی قسمت‌های دیگر نماز را همه با هم انجام می‌دهند.

نماز جمعه

نماز جمعه آن است که ظهر جمعه مسلمانان هر منطقه (تا شعاع ۶ کیلومتری) دور هم جمع شوند و با هم نماز گزارند. در این نماز نخست امام جماعت در برابر حاضران می‌ایستد و پس از ستایش الهی، با استفاده از قرآن و حدیث، و خواندن حداقل یک سوره از قرآن و توضیح آن، درباره تعالیم اسلام و مسائل اجتماعی امت اسلامی همه با هم به نماز می‌ایستند و مثل نماز صبح، دو رکعت به جماعت نماز می‌گزارند. در حقیقت دو سخنرانی قبل از نماز به جای دو رکعت نماز حساب می‌شود.

هر جا زمامدار عادل حکومت داشته باشد، در قلمرو حکومت او باید نماز جمعه برگزار شود و هر جا نماینده او حضور داشته باشد باید وی امامت نماز جمعه را شخصاً

بر عهده گیرد یا کسی را به جای خود به این سمت بگمارد. در این صورت همین که صدای اذان نماز جمعه بلند شد همه باید دست از کار بشکنند و در محل نماز حاضر شوند:

«یا ایها الذین آمنوا اذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکرالله و ذرؤا البیع، ذلکم خیرٌ لکم ان کتم تعلمون»^۱

«ای مسلمانان، وقتی بانگ نماز جمعه برخاست، شتابان برای یاد خدا (نماز) بروید و خرید و فروش را زمین بگذارید. اگر دانسته باشید، آن برای شما بهتر است.»
پس از آنکه نماز تمام شد هر کس می‌تواند پی کار خود برود:

«فاذا قُضیت الصَّلوة فانثشروا فی الارض و ابتغوا من فضل الله و اذکروا الله کثیراً لعلکم تفلحون»^۲

«پس از آنکه نماز برگزار شد در زمین پراکنده شوید و به دنبال بخشش الهی بروید و زیاده به یاد خدا باشید؛ شاید که رستگار شوید.»

اگر حکومت به دست زمامدار عادل نباشد، یا عده‌ای از مسلمان‌ها در جایی زندگی می‌کنند که نماینده حکومت امام عادل در آنجا نیست، بهتر است از میان خودشان یک

۱. سوره جمعه، آیه ۹.

۲. سوره جمعه، آیه ۱۰.

فرد شایسته را که از عهده دو سخنرانی پیش از نماز برآید انتخاب کنند و نماز جمعه بگزارند؛ و گرنه می‌توانند نماز ظهر را به صورت عادی بخوانند.

نخستین نماز جمعه بعد از هجرت

وقتی پیغمبر(ص) به عنوان مهاجرت از مکه به مدینه می‌آمد، در حومه مدینه در محلی به نام «قبا» که محل سکونت یک طایفه کوچک از اعراب بود توقف کرد. عده‌ای از مسلمانان برای دیدار پیغمبر(ص) و استقبال او از نقاط دیگر شهر به قبا آمدند. عده‌ای هم از بیرون به آنها ملحق شدند.

پیغمبر(ص) از روز یکشنبه تا پنجشنبه در قبا ماند و در همین چند روز مسجد اسلامی بنا کرد: «مسجدقبا». این نخستین مسجد اسلامی بود که به دست مسلمانان ساخته شد.^۱ صبح روز بعد، جمعه، پیغمبر(ص) و همراهان از قبا به سمت شهر حرکت کردند. هنگام ظهر به دره‌ای رسیدند که محل سکونت یک طایفه کوچک دیگر از اعراب بود. در اینجا پیغمبر نماز جمعه خواند. نخست در برابر صفوف مسلمانان ایستاد و برای آنها درباره اسلام و وظایفی که در

۱. سیره ابن هشام، جلد ۲، صفحه ۱۳۹.

آن روزهای اول بنیانگذاری حکومت اسلامی بر عهده مسلمانان بود در دو نوبت صحبت کرد (خطبه خواند) و بعد همه با هم دو رکعت نماز خواندند.

نماز عید

در اسلام دو عید رسمی هست: «عید فطر» و «عید قربان» (اضحی).

عید فطر روز اول شوال است که مسلمانان پس از روزه ماه رمضان، روزه خود را می‌شکنند و همه با هم این روز را به مناسبت پایان مراسم روزه جشن می‌گیرند. عید قربان (اضحی) روز دهم ماه ذیحجه است که قسمت اصلی مراسم حج مسلمانانی که برای حج به مکه رفته‌اند بر گزار شده و گوسفند یا گاو یا شتر قربانی می‌کنند. مقداری از آن را خودشان می‌خورند و مقداری به نیازمندان می‌دهند.

مسلمانان جهان همه جا این روز را به مناسبت پایان قسمت اصلی مراسم پر شکوه حج جشن می‌گیرند. توجه دارید که این دو عید بزرگ اسلامی عید کار و عمل است. در عید فطر مسلمانان موفقیت خود را در روزه داشتن ماه رمضان و در عید قربان موفقیت امت اسلامی و موفقیت اسلام را در برگزاری مراسم شکوهمند حج جشن می‌گیرند.

برای برگزاری مراسم این دو جشن سالانه اسلامی، مسلمانان هر نقطه، گرد یک میدان فراخ، در دشت و صحرا، یا اگر هوا مساعد نباشد در یک سالن بزرگ، دور هم جمع می‌شوند؛ با شور و شادی همه باهم «الله اکبر» می‌گویند و خدا را می‌ستایند. سپس دسته جمعی به نیایش الهی می‌پردازند و دو رکعت نماز به جماعت می‌خوانند. پس از پایان نماز، نمازگزاران با صدای بلند همه با هم چند بار «الله اکبر» می‌گویند. سپس امام جماعت در برابر آنها صحبت می‌کند. معمولاً همراه این مراسم از حاضرین پذیرایی ساده‌ای به عمل می‌آید.

نماز جمعه و نماز عید، هم عبادت دسته جمعی است و هم نموداری از همبستگی سیاسی و اجتماعی اسلامی. به همین جهت، تشکیل و اداره آنها در درجه اول از کارهای حکومت اسلامی است. هر جا حکومت اسلامی سر کار نباشد، مسلمانان خود می‌توانند اقدام کنند و این اجتماعات پاک و پرارزش اسلامی را که با پرستش و نیایش خدای یکتا و پاکی و صفا توأم است به وجود آورند.

نماز جماعت، نماز جمعه و نماز عید، از یک طرف در نمازگزاران اثر عمیق معنوی دارد و به رشد معنوی آنان کمک می‌کند، و از طرف دیگر بر همبستگی و یکپارچگی

مسلمانان می‌افزایند و بر روی هم از شعارهای ارزنده اسلامی است که باید در حفظ آن کوشید.

نماز آیات

کسانی هستند که در برابر خسوف (گرفتن و تاریک شدن قسمتی از ماه یا همه آن)، کسوف (گرفتن و تاریک شدن قسمتی از خورشید یا همه آن)، زلزله، طوفان، صاعقه و رعد و برق، سیل و حوادثی از این قبیل دچار وحشت می‌شوند و گاهی خود را به کلی می‌بازند.

از نظر اسلام این حوادث، مانند هزاران پدیده دیگر، نموداری از نظام پر شکوه عالم هستی است که به قدرت الهی به وجود آمده و بنابراین از نشانه‌ها و «آیات» قدرت و حکمت الهی است. بشر باید درباره این حوادث درست بیندیشد و دچار واهمه نشود. در گرفتن ماه و خورشید به جای کارهای موهومی که در میان بسیاری از اقوام و ملل معمول است^۱ به خدا توجه کند و دل به

۱. در موقع گرفتن ماه یا خورشید در میان بسیاری از اقوام معمول است طبل و دهل بکوبند تا اژدهای غول‌پیکری را که به گمان آنها در صدد بلعیدن ماه یا خورشید برآمده بترسانند. این اژدهای غول‌پیکر ممکن است تعبیری عامیانه و افسانه‌ای از همان سایه زمین یا ماه باشد که سبب اصلی خسوف و کسوف است؛ ولی به هر حال طبل زدن برای ترساندن آن بدون شک کاری موهوم و خرافی است.

سوی او آورد: دو رکعت نماز بگزارد و خود را از افکار موهوم فارغ کند.

مسلمان باید در وقت زلزله، طوفان، صاعقه و رعد و برق، سیل و حوادثی از این قبیل که مایه ترس و وحشت عموم است، دل به سوی خدا آورد و بداند که خدا برای رهایی بشر از نتایج تلخ و شوم این حوادث طبیعی امکاناتی در اختیار او نهاده است. او باید تدبیری بیندیشد، از امکانات استفاده کند، چاره‌ای جوید و برای نجات خود و دیگران دست به کار شود و در اولین فرصت دو رکعت نماز بگزارد و خدا را سپاس گوید و با راز و نیاز با او، آرامش خود را باز یابد.

نماز آیات دو رکعت است؛ مانند نماز صبح. با این تفاوت که در هر رکعت به جای یک بار رکوع، پنج بار رکوع می‌کنیم و میان هر دو رکوع یک‌بار حمد و سوره می‌خوانیم؛ یا سوره‌ای را که معمولاً پس از حمد خوانده می‌شود پنج قسمت می‌کنیم. قسمت اول را می‌خوانیم و به رکوع می‌رویم و بعد میان هر دو رکوع یک‌بار حمد و سوره می‌خوانیم، یا سوره‌ای را که معمولاً پس از حمد خوانده می‌شود پنج قسمت می‌کنیم و قسمت اول را می‌خوانیم و به رکوع می‌رویم و بعد میان هر دو رکوع یک قسمت دیگر را می‌خوانیم تا سوره تمام شود. بنابراین، باید

سوره‌ای انتخاب کنیم که ۵ آیه یا بیشتر داشته باشد. مثلاً سوره «کافرون».

نماز آیات به شکل کوتاهش به ترتیب زیر خوانده می‌شود:
«الله اکبر»

بعد سوره حمد را می‌خوانیم و می‌گوییم:

«بسم الله الرحمن الرحيم. قل يا ايها الكافرون»

به نام خدای مهربان مهرورز. بگو ای کافران!

بعد به رکوع می‌رویم.

سر از رکوع بر می‌داریم. می‌ایستیم و می‌گوییم:

«لا اعبد ما تعبدون»

آن را که شما می‌پرستید نمی‌پرستم.

به رکوع دوم می‌رویم.

سر از رکوع دوم بر می‌داریم. می‌ایستیم و می‌گوییم:

«و لا انتم عابدون ما اعبد»

شما هم آن را که من می‌پرستم نمی‌پرستید.

به رکوع سوم می‌رویم.

سر از رکوع سوم بر می‌داریم. می‌ایستیم و می‌گوییم:

«و لا انا عابد ما عبدتم، و لا انتم عابدون ما اعبد»

نه من آنها را که شما می‌پرستید خواهم پرستید و نه شما

آن را که من می‌پرستم خواهید پرستید.

به رکوع چهارم می‌رویم.

سر از رکوع چهارم برمی داریم. می ایستیم و می گوییم:

«لکم دینکم و لی دین.»

دین شما مال شما، دین من مال من.

به رکوع پنجم می رویم.

سر از رکوع پنجم برمی داریم و می ایستیم.

بر خاک می افتیم و دوبار سجده می کنیم.

پس از سجده دوم، یک رکعت دیگر به همان ترتیب

می خوانیم و بعد با تشهد و سلام نماز را تمام می کنیم.

دعا و قنوت

آنچه تا اینجا گفتیم واجبات نماز بود. علاوه بر این،

آدمی دلش می خواهد به دلخواه خود در نماز دعا و راز

و نیاز کند. این نوع دعا و راز و نیاز بسیار خوب و

مستحب است - مخصوصاً در رکعت دوم، پیش از

رکوع؛ و اگر فراموش شود بعد از رکوع، که آن را

«قنوت» نماز می نامند. در این دعاها دلخواه، هر کس

به هر عبارت و به هر زبان که دلش می خواهد با خدا

راز و نیاز می کند.

نماز به زبان قرآن

روش مسلمانان از آغاز بر آن بوده که اذان و اقامه و قسمت‌های واجب نماز را به زبان عربی که زبان قرآن است بگویند. با توجه به اینکه نماز شعار بزرگ اسلام و امت اسلامی است؛ با توجه به اینکه مسلمانان جهان همه باید یکپارچه باشند و پیوندهای مشترک برای همبستگی و یکپارچگی یک امت ضروری است؛ با توجه به مراسم حج شکوه نماز جماعت و جمعه و نماز عید قربان در مراسم حج در مکه که هر سال با شرکت صدها هزار نفر از مسلمانان نقاط مختلف جهان که دارای زبان‌های گوناگون‌اند برگزار می‌شود، فهم این نکته آسان است که قسمت اصلی نماز و اذان و اقامه که اعلام عمومی برای نماز است، بهتر است به یک لغت عمومی اسلامی باشد که همه آن را بفهمند. این لغت عمومی اسلامی، خود بخود لغت قرآن، یعنی عربی خواهد بود.

جمله‌هایی که در این کتاب برای نماز با اذان و اقامه آورده‌ایم بر روی هم ۲۹ جمله کوتاه است. یاد گرفتن این ۲۹ جمله عربی با معنی روشن آن، برای هر کس که علاقه داشته باشد، کار ساده‌ای است.

امروز در عموم کشورهای پیشرفته، آشنایی به یک زبان خارجی جزو معلومات عمومی است. بیشتر مردم این

کشورها به یک زبان خارجی آشنا هستند و این خود یکی از نشانه‌های رشد و عوامل پیشرفت هر ملت محسوب می‌شود. بنابراین، التزام مسلمانان به اینکه اصل نماز را به زبان عربی یاد بگیرند خود انگیزه‌ای برای بالا بردن سطح معلومات عمومی آنها خواهد بود. این ۲۹ جمله را با ترجمه کوتاه آن بار دیگر پشت سر هم می‌آوریم تا یاد گرفتن آن آسان‌تر باشد.

برای اذان و اقامه

«الله اکبر»

خدا از همه بزرگ‌تر است.

«اشهد ان لا اله الا الله»

این حقیقت را آشکارا می‌یابم و بر این یافته خود گواهی می‌دهم که جز آفریدگار جهان خدایی نیست.

«اشهد ان محمداً رسول الله»

این حقیقت را آشکارا می‌یابم و بر این یافته خود گواهی می‌دهم که محمد پیغمبر خدا است.

«حی علی الصلاة»

بیایید به سوی نماز.

«حی علی الفلاح»

بیاید به سوی رستگاری.

«حی علی خیر العمل»

بیاید به سوی بهترین کارها.

«قد قامت الصلاة»

نماز به پا شد.

«الله اکبر»

خدا از همه بزرگ تر است.

«لا اله الا الله»

جز آفریدگار جهان خدایی نیست.

برای نماز

«الله اکبر»

خدا از همه بزرگ تر است.

«بسم الله الرحمن الرحيم»

به نام خدای مهربان مهرورز.

«الحمد لله رب العالمين»

ستایش مخصوص خدا، خداوند جهان است.

«الرحمن الرحيم»

مهربان مهرورز.

«مالک يوم الدين»

دارندہ روز پاداش.

«ایاک نعبد و ایاک نستعین»

تنہا تو را می‌پرستیم و تنہا از تو کمک می‌خواہیم.

«اهدنا الصراط المستقیم»

راہ راست را بہ ما بنما.

«صراط الذین انعمت علیہم»

راہ آنان کہ از نعمت خود برخوردارشان ساختی.

«غیر المغضوب علیہم»

نہ آنها کہ بر ایشان خشم گرفته شد.

«و لا الضالین.»

و نہ گمراہان.

«بسم اللہ الرحمن الرحیم»

بہ نام خداوند مہربان مہرورز.

«قل هو اللہ احد»

بگو اوست خدا، خدای یکتا.

«اللہ الصمد»

آفریدگار جہان، کامل و بی‌نقص و بی‌نیاز است.

«لم یلد و لم یولد»

نہ زاییدہ و نہ زاییدہ شدہ.

«و لم یکن لہ کفواً احد.»

و نه برای او همتایی بوده.

«سبحان ربی العظیم و بحمده.»

خدای بزرگ خود را می ستایم و پیراسته می شمرم.

«سبحان ربی الاعلی و بحمده.»

خداوند خود را که از همه بالاتر و برتر است می ستایم

و پیراسته می شمرم.

«سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر.»

پیراسته باد خدا، ستایش مخصوص خداست، جز

آفریدگار جهان خدایی نیست. خدا از همه بزرگ تر است.

«اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له»

بر این حقیقت گواهی می دهم که جز آفریدگار خدایی

و او را شریکی نیست.

«و اشهد ان محمداً عبده و رسوله»

و بر این حقیقت گواهی می دهم که محمد بنده و

پیغمبر خدا است.

«الهم صل علی محمد و آل محمد.»

بارها! بر محمد و دودمان محمد درود فرست.

«السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته.»

درود بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو ای پیامبر.

السلام علینا و علی عبادالله الصالحین.»

درود بر ما و بر بندگان شایسته کار خدا.
«السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.»
درود بر شما و رحمت و برکات خدا بر شما.
این است نماز ما و نیایش روزانه ما؛
به سوی خدا؛ خدای یکتا؛ خدای پرمهر؛
نیایشی که هر فرازش، بیانگر اصلی از اصول جهان
بینی اسلام؛
و هر حرکتش، نمایشگر پیوند عمیق انسان اسلام با
خداست.
نیایشی که انسان را به سوی خدا، به سوی راه او، و به
سوی رهبران او، می کشاند.
او را به همه شایسته کاران روی زمین، در طول تاریخ،
در گذشته و آینده و حال، پیوند می دهد؛
و صف او را، از صف ستمگران، تبهکاران و گمراهان
جدا می سازد،
تا در راه راست خدا، استوار بماند و به بیراهه نیفتد.
اینک تو ای انسان جستجوگر عصر ما، برخیز!
بر خیز تا با شور و نشاط، به نیایشی چنین زنده و
سازنده پردازیم؛
و خود را از هر چه جز حق و حقیقت است پیراسته سازیم.

نمایه

شیطان ۱۳	ابراهیم (ع) ۲۰
طایف ۳۹	اذان ۱۶، ۱۸، ۴۲، ۵۰، ۵۱
عنکبوت (سوره) ۳۷	اسماعیل (ع) ۲۰
قبا ۴۳	امام علی (ع) ۳۸، ۳۹
قبله ۲۰، ۲۹، ۳۳، ۴۰	بقره (سوره) ۲۱، ۳۸
قرآن کریم ۱۰، ۲۵، ۲۹،	بنی ثقیف ۳۹، ۴۰
۳۳، ۳۷، ۴۱، ۵۰	پیغمبر اکرم (ص) ۱۳، ۱۷،
کافرون (سوره) ۴۸	۱۸، ۳۱، ۳۲، ۳۸، ۳۹، ۴۰-
کعبه ۲۰، ۲۱	۴۳، ۵۱، ۵۴
مائده (سوره) ۱۹	جمعه (سوره) ۴۲
محمد (ص) ۱۷، ۱۸، ۳۱،	حسینی بهشتی، محمد ۳، ۷
۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۵۱، ۵۴	حضرت مریم (ع) ۲۶
مدینه ۳۹، ۴۳	حمد (سوره) ۲۲، ۲۵، ۲۸،
مسجد الحرام ۲۱	۲۹، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۴۱،
مکه ۲۰، ۳۹، ۴۳، ۴۴، ۵۰	۴۷، ۴۸
هجرت ۳۹، ۴۳	خدیجه (س) ۳۸
هود (سوره) ۱۶	روح القدس ۲۶
	سیره ابن هشام ۳۹، ۴۰،
	۴۳

